

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۱۰۴ دعای ۲۰ (مکارم الاخلاق)

جلسه ۳۷۹ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۳/۰۱/۲۷

- دعای اولوالالباب در قرآن کریم
- درخواست مغفرت الهی
- افضل اعمال در ماه مبارک رمضان «ورع» است
- نشانه بهره‌مندی از ماه مبارک رمضان
- کل منطقه حق الناس، منطقه شبهه است
- تقوا؛ دستاورد برنامه‌های ماه مبارک رمضان
- تحقق آرزوی قلبی همه احرار و آزدگان و مؤمنین جهان
- درخواست حفظ و صعود اعمال صالح
- نفس لوّامه، محکمه درون است
- درخواست اسباب صلاح نفس از خدای متعال
- توفیق حال اضطرار و پناه‌جویی به درگاه خدای متعال
- راه نجات؛ تقویت ارتباط و کمک‌خواهی از خدای متعال

و خدای متعال آنچه را که از لطف و کرمش از طهارت و مغفرت و رحمت و کرمش در این ماه به شما عزیزان و سایر مؤمنین کرامت کرده، توفیق حفظ و نگهداری آن را هم به همه ما کرامت کند.

دعای اولوالالباب در قرآن کریم

به دوستان و خودمان یادآوری می‌کنیم که بعد از خروج از ماه مبارک رمضان شیاطین همت می‌کنند که قبل از این که مؤمنین از ماه شوال عبور کنند آنچه را که در ماه رمضان به دست آوردند همه را از دست بدهند. لذا هم‌چنان که مکرر عرض کردیم، انسان‌های خردمند اهتمام‌شان بیشتر به نگهداری از آنچه که دارند هست تا به دست آوردن آنچه که ندارند. چون اگر انسان هنر نگهداری آنچه که به او داده شده است را نداشته باشد طبعاً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

این جلسه، اولین جلسه‌ی ما در سال جدید است. با تأخیر، خدمت همه عزیزان سال جدید را تبریک عرض می‌کنم که معطر به عطر کریم اهل بیت امام مجتبی (علیه‌الصلاة والسلام) بود. بحمدالله در این سال دو میلاد امام (علیه‌السلام) هست، هم اوائل سال، هم اواخر سال، به فال نیک می‌گیریم. ان شاءالله امسال اتفاقات خیلی خوبی در بخش‌های مختلف خواهد افتاد. ماه مبارک رمضان را هم که پشت سر گذاشتید و خدای متعال به عزیزان مان توفیق داد این ماه الهی و این سفره پرنور میهمانی و ضیافت حق تبارک و تعالی را درک کردند، این هم برای همه شما عزیزان نعمت بسیار بزرگی بوده است. ان شاءالله برای همه مبارک باشد

دعای مهمی است و در واقع دعای «لاترغ قلوبنا» دعای عاقبت به خیری است. ان شاءالله از معنویات، از انوار الهی، از لطافت روحی، از اعمال صالح، آنچه را که نیت‌های خوب در این ماه عزیز فراهم شده است، ان شاءالله این‌ها با عنایت پروردگار متعال و با توسل به نام نورانی حفیظ پروردگار متعال، برای همه حفاظت بشود.

درخواست مغفرت الهی

اگر بخواهیم یک نکته را یادآوری کنیم عبارت است از این که در ماه مبارک رمضان طبق نص روایات ما اتفاق مهمی که برای مؤمنین می‌افتد عبارت است از این که خدای متعال آن‌ها را مورد مغفرت خودش قرار می‌دهد و از عذاب خودش این‌ها را

اگر چیزهای دیگری هم به او بدهند، آن‌ها را در کوتاه‌ترین زمان از دست می‌دهد. لذا «رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»^۱ این دعای اولوالالباب در قرآن کریم است. انسان‌هایی که خردمند هستند، ژرف‌اندیش هستند، عمقیابی می‌کنند و نگاه‌شان به رخدادها، به مسائل، به خودشان، به محیط پیرامون‌شان، به عالم، از منطق الهی و از خردمندی برخوردار است، یکی از درخواست‌های ایشان از خدای متعال این است که ما آن مقداری از نور هدایت را که به دست آوردیم از دست ندهیم. «لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا»^۲ یعنی بعد از این که به ما نعمت هدایت را دادی ما گرفتار اعوجاج و گرفتار انحراف نشویم. خیلی

۱ آیه ۸ سوره مبارکه آل عمران
همان ۲

هم ملاحظه کردید که فرمودند افضل اعمال در ماه مبارک رمضان ورع است. در پاسخ به سؤالی که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در باره خطبه‌ی ماه مبارک رمضان در محضر پیامبر اعظم (صلوات‌الله‌علیه) مطرح کرد که «مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ»^۳ در این ماه کدام عمل از همه اعمال دیگر فضیلت آن بیشتر است؟ پیامبر (صلوات‌الله‌علیه) فرمودند «الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» ورع از همه مهم‌تر است. با فضیلت‌ترین عمل ورع است. ورع این نیست که انسان گناه نکند، به این نمی‌گویند ورع. ورع این است که انسان به گناه نزدیک نشود. این فاصله‌گذاری اسمش می‌شود ورع که انسان آن جاهایی که قرق‌گاه الهی است، این سخنی است که خدای متعال حرامش کرده است،
 ۳ خطبه رسول اکرم (ص) در آخرین جمعه ماه معظم شعبان

آزاد می‌کند، این چیزی که بعد از هر نماز خواستیم همین بود. آن چه ما در دعای یا علی یا عظیم می‌خواهیم این است که این رقبه ما از عذاب آزاد بشود، از نار آزاد بشود. این همان درخواست مغفرت الهی است. بعد هم فرمودند خدای متعال به اندازه همه آنچه که در کل ماه مبارک رمضان می‌بخشد در عید سعید فطر می‌بخشد. این خصوصیت ماه مبارک رمضان است.

افضل اعمال در ماه مبارک رمضان «ورع» است

عمده این است که انسان مؤمن با ملاحظه تقوا و ورع و فاصله‌گذاری بین خودش و گناه و آنچه که خدای متعال نمی‌پسندد، این صفا و نورانیت حاصل از مغفرت الهی را حفظ کند، این از همه چیز مهم‌تر است. لذا در آن خطبه شعبانیه

شما به نزدیکش هم نروید. انسان مؤمن ورع، کسی است که از تقوا و ورع بهره‌مند هست این خصوصیت را دارد که حریم‌های الهی را ملاحظه می‌کند، با فاصله از آن حرکت می‌کند، این معنای ورع است که شاید مهم‌ترین خصوصیتی که انسان مؤمن در ماه مبارک رمضان فراهم می‌کند این ورع باید باشد که بین او و گناه یک پرده‌ای و حاجزی قرار بدهد و فاصله بگذارد. این را از خدای متعال بخواهیم که بین ما و گناهان همیشه یک فاصله زیادی وجود داشته باشد. کسانی که شیطان زده هستند، وقتی در قیامت پرده کنار می‌رود با شیطان محشور می‌شوند، در حشر با شیطان یک آرزویی می‌کنند، آرزوی‌شان این است که می‌گویند «يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ مَا كَانَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَسْرَتُهُمْ» (فَبِئْسَ مَا كَانَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَسْرَتُهُمْ) یعنی چای؟ یعنی ما هیچ وقت همدیگر را نمی‌دیدیم. معنایش این است، چون این دو هیچ وقت همدیگر را نمی‌بینند. کاش ما هیچ وقت همدیگر را ندیده بودیم. «فَبِئْسَ الْقَرِينُ»

۴ آیه ۳۸ سوره مبارکه زخرف

نشانه بهره‌مندی از ماه مبارک رمضان

لذا شاید عمده مسئله بعد از ماه مبارک رمضان این مسئله باشد که انسان آن طهارت حاصل از مغفرت الهی را که به خاطر عبادات و سحرخیزی و مناجات و روزه و تلاوت قرآن و عنایات خاص الهی که شامل حال او شده است، این‌ها را بتواند نگه دارد. نمادش هم این است که ما الان بینیم آیا فاصله بین ما و گناهان مخصوصاً گناهانی که ما در ارتباط با آن‌ها ابتلاء داشتیم، آیا فاصله بین ما و آن‌ها بیشتر شد یا نشد؟ چون آدم‌ها با هم فرق می‌کنند، هر کسی یک نقطه ضعفی دارد که معمولاً یک روز از همان راه هم ضربه را می‌خورد. حالا این فلان گناه که من گاهی مرتکب آن می‌شدم یا به آن نزدیک می‌شدم آیا بین من و او اکنون فاصله زیاد شده یا

تو چه هم‌نشین بدی هستی. حالا ببینید این احساس مؤمن نسبت به گناه و نفرت او از گناه بر اثر ورع به این نقطه می‌رسد که می‌خواهد هرگز بین او و گناه هیچ نسبتی وجود نداشته باشد، که اصلاً کَانَ به هم هیچ ربطی پیدا نکنند. همین «يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ» یعنی کاش هیچ وقت با تو؛ با غیبت، با تهمت، با خدای نخواستہ بی‌حیایی، با بی‌عفتی، با دروغ، با خیانت؛ به هر کدام از این‌ها می‌گوید هیچ وقت بین ما و تو هم‌نشینی وجود نداشته باشد، کاش ما اصلاً همدیگر را نبینیم. چون هر کدام از این‌ها مظاهر شیطان هستند.

هست. حرام نیست ولی مشتبه است، آن جا دارد که انسان مؤمن از شبهه پرهیز می‌کند تا به حرام مبتلا نشود، مسئله این است، خیلی مسئله حیاتی است.

یک آقای یکی دو روز بعد از عید سعید فطر، در یک محیط مقدسی آمده بود پیش من، این قدر بی‌پروا حرف می‌زد، هم خیلی دلم برای خودم سوخت هم برای او. گفتم خب اگر هم چیزی گیر تو آمده بود که همه را آتش زدی رفت، چیزی باقی نمی‌ماند، این بی‌پروایی خیلی خطرناک است.

ما دو سه جلسه قبل راجع به حق‌الناس و اهمیت و حساسیت آن صحبت کردیم. کل منطقه حق‌الناس منطقه شبهه است. باید این گونه به آن نگاه کرد، خیلی باید انسان با احتیاط برود که مبتلا

نشده است؟ اگر فاصله زیاد شده باشد نشانه بهره‌مندی از ماه مبارک رمضان است. اگر نه، مثلاً قبلاً راحت می‌رفتم سمت غیبت، الان هم همین جور است، این معنایش این است که من در ضیافت شرکت نکردم. این علامتش است. اگر بین تو و گناه فاصله زیادتر شده، نشانه این است که تو به ضیافت راه پیدا کردی، اما اگر نه، فاصله زیاد نشده همان است، همان قبل هم همین طور بود، حالا هم همین طور است.

کل منطقه حق‌الناس، منطقه شبهه است

منطقه بین حلال و حرام، منطقه‌ای است که از آن تعبیر می‌شود به منطقه شبهات، شبهه، سخن شبهه‌ناک، مال شبهه‌ناک، این منطقه میانی است. چیزهایی که شبهه

به این گفتمی، آن با آن گفت، آن به این گفت، همین جور شروع کردید این را زبان به زبان چرخاندن، حواس‌تان نیست که شیطان دارد این را بین شماها کارگردانی می‌کند.

بعد این جمله سنگین این جاست، این را واقعاً به خاطر بسپاریم، فرمود: «تَحَسَّبُونَهُ هَيِّنًا»^۷ شما خیال می‌کنید این مطلب آسانی است، سبک است «وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ»^۸ کاش می‌شد عظمت این آیه را معنی کرد. آبروی مؤمن نزد خداوند خیلی مسئله‌ی بزرگی است. فرمود به چه مناسبت به خودت جرأت می‌دهی به آن نزدیک بشوی، این منطقه منطقه‌ی حساسی است. این‌ها را باید مراعات کرد.

نشود، عرض مردم، آبروی مردم، حرمت انسان‌ها، در دستگاه الهی خیلی حساس است. آن جایی که امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) فرمودند خدای متعال حق مردم را و حق‌الناس را بر حق خودش مقدم کرده است. این تعبیر خیلی تعبیر سنگینی است، نسبت به حق خودش حق مردم را مقدم قرار داده است. یعنی این مسئله این قدر اهمیت دارد.

قرآن کریم در باره بهتان فرمود: «تَحَسَّبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ»^۹ در ماجرای «افک» است، یک مطلبی را راجع به همسر پیامبر نسبت داده بودند، گفت چرا شما به این قصه تفوه کردید؟ چرا وقتی شنیدید جلوی آن‌ها نایستادید، جواب ندادید؟ بعد هم «تَلَقَّوْنَهُ بِالسَّتِّكُمْ»^۶، تو

۷ همان
۸ همان

۵ آیه ۱۵ سوره مبارکه نور
۶ همان



تقوا؛ دستاورد برنامه‌های ماه مبارک رمضان

داشتیم. این پس یک نکته در باب ماه مبارک رمضان که پشت سر گذاشته شد. ان شاءالله خدای متعال توفیق بدهد و ما مخصوصاً این ورع را بیشتر تمرین کنیم، حساسیت‌مان را نسبت به گناه افزایش بدهیم، فاصله‌گذاری‌هایمان را با رعایت منطقه شبهات افزایش بدهیم به شکلی که ما اساساً نزدیک به قرق الهی و منطقه حرام نشویم. این آن چیزی است که باید دستور کار ما باشد. ان شاءالله به مدد نوری که از ماه مبارک رمضان آمده انسان سعی کند این حالت قدسی و معنوی و فرشته‌خویی را در خودش تقویت کند.

ماه مبارک رمضان اگر برای ما این دستاورد را داشته باشد؛ فاصله‌گذاری با گناه، بیشتر کردن فاصله ما به گناهای که به آن‌ها ابتلاء داشتیم یا محل ابتلاء ما است، اگر این فاصله‌گذاری بیشتر شد یعنی ما از ماه مبارک رمضان بهره‌مند شدیم که اسم آن ورع است. ولی اگر این فاصله بیشتر نشده باشد، اگر دوری ما از آن منطقه گناه بیشتر نشده باشد یعنی ما بهره‌آنچنانی از ماه مبارک رمضان و ضیافت نبردیم. «لعلکم تتقون» دقیقاً به همین معنا است. حاصل روزه و کل برنامه‌های ماه رمضان این است که تقوای ما بیشتر شده باشد. نشانه ویژه تقوا چیست؟ فاصله گرفتن از گناه است، مخصوصاً گناهایی که بیشتر محل ابتلاء هر کسی بوده است، قبلاً به آن ابتلاء

تحقق آرزوی قلبی همه احرار و آزدگان و مؤمنین جهان

دیگری انجام بشود، نیابتی انجام بشود، از خاک ما نرود، از خاک ما می‌رود از یک نقطه برود، از یک نقطه می‌رود به یک نقطه بخورد، این چیزها بوده است. اما این‌طور، شرق و غرب و شمال و جنوبش و مناطق حساس این قدر هم دقیق، آن وقت شما حساب کنید این آرزوی قلبی همه احرار و آزدگان و مؤمنین جهان بود. حلاوتش به این خاطر است، یعنی واقعاً همه این لحظه را شیرین‌ترین لحظه زندگی‌شان می‌دانند، حالا از خود مظلومین غزه بگیرد تا مجاهدان فلسطین و منطقه مقاومت و بچه‌های یمن و سوریه تا اعماق دنیا هر جا که مؤمنین هستند. ان شاء الله بر همه مبارک باشد. «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»^۹ مخصوصاً آن قابی که از این اتفاق بزرگ منتشر

۹ آیه ۱۷ سوره مبارکه انفال

مطلب دیگر هم الحمدلله این اتفاقی است که حلاوتش به نظر من با هیچی قابل مقایسه نیست. من فکر کردم ما بعد از مثلاً ۲۲ بهمن و فتح خرمشهر که در زمان خودش یک اتفاق خاصی بود، حادثه‌ی شیرین دیگری نداشتیم. آرزوی قدیمی همه مؤمنین این بود که یک روزی این اتفاق بیفتد و خداوند تبارک و تعالی این توفیق بزرگ را نصیب ملت ایران کرد که با آن تصمیم قاطع امام مسلمین، رهبر عزیزتر از جان‌مان این اتفاق افتاد. چون این هم تصمیمی می‌خواهد، حالا همه مقدمات را فراهم کنند، بزند یا نزند؟ حالا یک حرف‌هایی هست که بماند آن‌ها قابل گفتن نیست. ولی الحمدلله این به لطف خدای متعال انجام شد، می‌توانست این‌گونه انجام نشود، طور

درخواست حفظ و صعود اعمال صالح

«اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي
مَا يُخَلِّصُهَا، وَ أَبْقِ لِنَفْسِي
مِنْ نَفْسِي مَا يُصَلِّحُهَا، فَإِنَّ
نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصِمُهَا»^{۱۰}

حضرت فرمودند «اللَّهُمَّ
خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا
يُخَلِّصُهَا» این دو جمله پشت
سر هم است «خُذْ لِنَفْسِكَ
مِنْ نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا، وَ
أَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا
يُصَلِّحُهَا». این دو جمله،
عزیزانی را که در ارتباط با
صحیفه مبارکه سجادیه و
درک مضامین آن کار می‌کنند
مخصوصاً شارحین صحیفه
عرشیه، این‌ها را به یک
حیرتی وا داشته است. چون
جمله خیلی جمله خاصی
است، لذا برای آن احتمال‌های
مختلفی را دادند. من برای

شد که موشک‌ها از کربلای
معلی و از قدس عبور می‌کند.
مثلاً جمله‌ای که آن شخص
می‌گوید میهمان‌های ایرانی
آمدند، با چه حسی فریاد
می‌زند. یکی هم آن قاب که
بچه‌های غزه گفتند دیشب
به ما حمله نشد. بعد از این
در شرایط فعلی آن خبری که
خیلی خیلی می‌تواند شیرین
باشد ان شاءالله خبر آتش‌بس
است. اگر حماقت نکنند و ان
شاءالله آتش‌بس برقرار بشود
این پیروزی در این مرحله
به قله می‌رسد، ان شاءالله
این خودش می‌شود یک
فتح قریب برای فتح مبین.

۱۰ فرازی از دعای بیستم صحیفه
مبارکه سجادیه

ملاحظات و احتمالاتی هست. اما برگزیده مطلب این است. ببینید در جمله اول امام (علیه‌السلام) یک درخواست خیلی عالی را دارد مطرح می‌کند. آن درخواست عالی این است که من به لطف تو و عنایت تو به چیزهایی دست پیدا کردم، به من کرامت کردی که باعث نجات من می‌شود، اما این‌ها در معرض از بین رفتن و از دست رفتن و دستبرد شیاطین است. من از تو می‌خواهم آنچه را که برای من فراهم شده و اسباب نجات من است و باعث رهایی من است، این را تو برای خودت، «لنفسک» یعنی نزد خودت، این را برای من حفظ کن و نگه دار. «خذ لنفسک من نفسی» معنایش این است. یعنی این چیزها را برای من نگه دار. مطلب از این جهت خیلی عالی است.

این که شما ذهن‌تان درگیر نشود جان کلام را به شما بگویم، منتخب را بگویم که گرفتار احتمالات هم نشوید. امام (علیه‌السلام) می‌خواهد چه بگوید؟ البته این جاها معمولاً می‌گویند و الله العالم. اما به حسب تأمل و برداشت، این که حضرت می‌فرمایند «اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا»؛ آنچه که نفس من را خالص می‌کند یا خلاص می‌کند، نجات می‌دهد، این را از من برای خودت بگیر. «خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا» این آن جمله اول است. جمله دوم می‌گوید: «وَأَبْتَقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا» باقی بگذار برای من از نفس من، از جان خود من، آنچه را که باعث صلاح نفس من می‌شود. یعنی چی؟ می‌گویم این همان جایی است که محل یک

معنا خیلی به طبع جمله امام (علیه‌السلام) نزدیک است.

و اما نکته دوم: «وَأَبْقَ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا» یک چیزهایی هم هست که باعث اصلاح من می‌شود. آن‌ها را برای من نگه دار. بعضی از چیزها است که در وجود خودم است «من نفسی» مال خودم است، در جان من است، در وجود من هست و این‌ها اگر باشد باعث اصلاح من می‌شود. این‌ها را هم برای من نگه دار. «وَأَبْقَ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا» آن چیزی که باعث اصلاح نفس انسان می‌شود.

گاهی انسان یک تلاوتی دارد، ذکری دارد، فکری دارد، نمازی دارد، خدمتی دارد، گره‌گشایی دارد که این در دستگاه الهی اسباب نجات او می‌شود. این را می‌گوید خدایا برای من نگه دار. در قرآن کریم هم یک تعبیری هست که فرمود: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»^{۱۱} مثلاً نیت‌های پاک این‌گونه هستند. نیت‌های تمیز، عقاید خالص و نورانی. فرمود: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ» این‌ها به سوی خدای متعال بالا می‌روند، صعود می‌کنند. این‌جا درخواست ما صعود است. خدایا این چیزهایی را که پیش من هست از کلم الطیب و از عمل صالح، این‌ها به سوی تو ارتفاع پیدا بکند، یعنی تو بپسندی و برای من نگه داری. «خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخْلِصُهَا» این آیه ۱۰ سوره مبارکه فاطر ۱۱

نفس لَوَّامه، محکمه درون است

«لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ * وَلَا
أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ»^{۱۲} ببینید
چقدر آین نقطه اهمیت دارد و
حساس است که خدای متعال
به آن سوگند می‌خورد، آن هم
سوگند مؤکد. سوگندهایی که
با کلمه «لا» هست تأکید است.
«وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ * أَعْظَمَ *
يَحْسَبُ الْإِنْسَانَ أَلَّنْ نَجْمَعُ
عَظَمَهُ * بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ
أَنْ نُّسَوِيَ بَنَانَهُ»^{۱۳} یعنی شما
ببینید اول سوگند به قیامت
است «لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ»
بعد سوگند به نفس لَوَّامه
است، بعد یادآوری بعضی
از وقایع قیامت است. این
کنار هم چیدن دارد به شما
این را می‌گوید که انسان
مؤمن همین جا در دنیا برای
خودش در نفس خودش یک
قیامتی برپا می‌کند. آن قیامت

اگر بخواهیم یک مواردی را
عرض کنیم، مثلاً از جمله
چیزهایی که از نفس ما است
یعنی جزو بافت نفسانی و
ساختار نفسانی ما است، در
وجود ما است، اگر بماند و
سالم باشد باعث اصلاح ما
می‌شود، یکی از آن عبارت
است از وجدان، وجدان
اخلاقی. اصطلاح قرآنی‌اش
می‌شود نفس لَوَّامه، نفس
لَوَّامه این گونه است. راه ما
به سوی نفس مطمئنه، نفس
لَوَّامه است. اگر شما نفس
لَوَّامه را درک کنید و تقویت
کنید، مسیرتان به سوی نفس
مطمئنه هموار می‌شود، نفس
لَوَّامه هم همان چیزی است
که گاهی از آن به عنوان
وجدان اخلاقی یاد می‌کنیم.
آن جایی که انسان خودش
را به محاکمه می‌کشد، این
محکمه درون، نفس لَوَّامه است.

۱۲ آیات ۱ و ۲ سوره مبارکه
قیا مت
۱۳ آیات ۲ الی ۴ سوره مبارکه
قیا مت

اولاً از توفیق توبه بهره‌مند می‌شوند و ثانیاً نسبت به گناه قدرت فاصله‌گذاری و ورع پیدا می‌کنند. این مسیر ما به سوی نفس مطمئنه است، این را باید خیلی قدرش را دانست.

درخواست اسباب صلاح نفس از خدای متعال

پس «أَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا» در نفس من آن چیزی که باعث اصلاحش می‌شود آن را باقی بگذار، نفس لوامه، وجدان اخلاقی پیش من بماند. به قول یکی از حضرات، عقل، این عمق‌نگری و تعقل، تفکر، این‌ها ذی من نفسی است، خدای متعال در درون خود ما قدرت تفکر را قرار داده است، این که من از آن استفاده کنم، اندیشه من فعال باشد، عاقبت‌اندیش باشم، عمق‌یاب باشم، بتوانم عواقب را حدس بزنم بعد

از جمله همین به محاکمه کشیدن است. این حاصل همان جمله ولیّ خداست که فرمود «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَوَاذُنُهَا قَبْلَ أَنْ تُوَاذَنُوا»^{۱۴} قبل از این که وزن کنند خودتان وزن کنید، قبل از این که شما را ببرند پای میز محاسبه در محکمه الهی خودتان به حساب خودتان برسید». این معنایش است، این همین نفس لوامه است که اگر در انسان فعال باشد، صیانت می‌آورد. این همان حقیقتی است که بین ما و گناه فاصله ایجاد می‌کند و ورع تولید می‌کند. این همان حقیقتی است که اگر احیاناً یک کدورتی بر اثر غفلت نسبت به یک گناهی برای انسان پیش بیاید زمینه پاکیزه شدن و توبه‌اش را در انسان فراهم می‌کند. انسان‌هایی که نفس لوامه‌شان فعال باشد،

است، عنایتی است که به ما کردی، قول طیب، نیت پاکیزه‌ای هست، عمل صالحی هست، عمل خالصی است، این را نزد خودت برای ما حفظ کن، هم ارتفاع بده، گفت «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيِّنَ»^{۱۵} این همان ارتفاع است. «وَمَا أَذْرَاكَ مَا عَلَيَّوْنَ * كِتَابٌ مَّرْهُومٌ»^{۱۶} این همان ارتفاع است «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ»^{۱۷} این‌ها ارتفاع پیدا بکند و در حصن حصین تو برای من بماند. عقیده پاک هست پیش خودت برای من نگه دار، سخن پاک است، نیت پاک است، این‌ها را ارتفاع بده، پاکیزه‌تر کن، خالص‌تر کن برای من نگه دار، برای من ذخیره کن، از دستبرد شیطان در امان باشد.

تصمیم بگیرم، بعد اقدام کنم، این به این معناست. تعقل، تفکر، محاسبه، این‌ها می‌شود اسباب صلاح نفس. انسان این را از خدای متعال بخواهد، این‌ها پیش من بماند.

شاید چیزی که باعث اصلاح نفس انسان می‌شود و طی مدارج صلاح می‌شود از جمله عبارت است از عافیت. عافیت هم این گونه است. یعنی شب قدر از خدا بخواهید، آن هم عافیت جامع، از جمله عافیت جسمی است. انسان با این می‌تواند مدارج صلاح را طی کند. پس این شد یک مطلب.

«اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخْلِصُهَا» این مطلب اول خواهش ما است، آنچه که در وجود ما هست و باعث نجات ما است، باعث ارتفاع ما است و در معرض آسیب‌های شیطانی و از دست رفتن نوری است، بصیرتی است، لطفی

۱۵ آیه ۱۸ سوره مبارکه مطففین

۱۶ آیات ۱۹ و ۲۰ سوره مبارکه

مطففین

۱۷ آیه ۱۰ سوره مبارکه فاطر

توفیق حال اضطرار و پناهجویی به درگاه خدای متعال

بعد فرمود: «فَإِنَّ نَفْسِي» ای وای «فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصِمُهَا». این یک نوع استغاثه است، یعنی می‌خواهد بگوید خدایا خودت که می‌دانی «فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصِمُهَا» اگر تو من را نگیری رفتم. اگر نفس من را در محیط عنایت خودت نگه نداری؛ عصمت همین است «أَوْ تَعَصِمُهَا» مگر تو نفس من را نگه داری، و آلا تباه است، و آلا از دست رفته است، ببینید چقدر محکم است «فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ» نفس من قطعاً تباه است و هلاک می‌شود و سقوط می‌کند. «أَوْ تَعَصِمُهَا»، یک راه بیشتر ندارد، آن یک راهش این است که تو آن را نگه داری، اگر تو نگه داری می‌ماند و آلا از بین می‌رود. آن جمله‌ای که در باره نفس از حضرت یوسف (علی نبینا و آله و علیه السلام) در قرآن

دوم: «وَأَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا» هر چیزی هم که باعث صلاح نفس من می‌شود و در وجود خود من هست، این را برای من نگه دار. نگه دار هم یعنی بماند، یعنی زنده، فعال و مؤثر در وجود من باشد. تفکر این جور است؛ بماند، تذکر این جور است؛ بماند، خود ملامتی آن نفس لوّامه است، محاسبه است؛ بماند. این‌ها است. عقل است، زنده است، بماند. بصیرت است و عمق‌یابی است، فهم عمیق است، این برای من بماند. از جمله این‌ها باعث اصلاح من شود.

این دشمن درونی را ببیند، «أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسِكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ»،^{۱۹} ببیند شیاطین او را محاصره کردند، ضعف نفس خودش را ببیند، اگر این را ببیند حالش می‌شود حال اضطرار و پناه‌جویی به درگاه خدای متعال. «فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصِّمُهَا» مگر تو من را نجات بدهی، مگر تو بگیری، والا من از دست رفتم. پس این «أَوْ تَعَصِّمُهَا» همان حالت استغاثه است. انسان به درگاه خدای متعال دارد استغاثه می‌کند؛ خدایا من را ننگه دار. براساس آیه‌ای که برای شما خواندم «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ» ترجمه‌اش این می‌شود که «ارحمنی». «أَوْ تَعَصِّمُهَا» یعنی ارحمنی، یعنی به من رحم کن، من را داشته باش.

نقل شده است جمله تکان دهنده‌ای اسبیت، می‌فرماید «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»،^{۱۸} این جا می‌گوید «أَوْ تَعَصِّمُهَا» یعنی می‌گوید خدایا به من رحم کن، من را ننگه دار، من خودم عرضه ندارم، نمی‌توانم، تو باید من را ننگه داری والا من از دست رفته هستم. این مطلب هم خاطرتان باشد اگر به لطف خدای متعال یک مقدار پرده برای ما کنار برود، واقعیت شخصیت خودمان و خطرهایی که ما را تهدید می‌کند این‌ها را خوب ببینیم، صدای استغاثه‌مان به درگاه خدای متعال بلند می‌شود. اگر دیدید ناله ندارید، اگر دیدید اضطرار ندارید، اگر دیدید نمی‌ترسید بدانید که اوضاع وخیم است، والا اگر کسی متوجه واقعیت خودش بشود،

راه نجات؛ تقویت ارتباط و کمک‌خواهی از خدای متعال

باشد در خودت است، اگر شفاء هم باشد در خودت است. بیرون ز تو نیست آنچه در عالم هست. شما در خودتان جستجو کنید، هم‌ه‌اش در وجود خودتان است، این دائم می‌گوید نفسی نفسی، این جا که حضرت می‌گوید، یادآوری این سرمایه عظیمی است که در وجود ما است و خطرهای بزرگی است که باز در وجود خود ما است. یک راه نجات هم بیشتر ندارد؛ راه نجات تقویت ارتباط با خدای متعال و کمک‌خواهی از حضرت حق تبارک و تعالی است.

خدا را قسم می‌دهیم این دعای امام سجاد (علیه‌الصلوة والسلام) را در باره همه ما مستجاب بفرماید. این هزیمت و این خفت و این رسوایی را که بر رژیم پلید صهیونیستی و حامیانش تحمیل کرد به لطف خدا، به عنایت خاص خودش،

پس یادمان باشد این دو جمله‌ای که امام (علیه‌السلام) فرمودند می‌خواهند به ما بگویند اسباب خوشبختی ما در وجود ما است، اسباب بدبختی ما هم در وجود ما است. اسباب سعادت ما در خود ما است، اسباب شقاوت ما هم در خود ما است. این‌طور نیست که خیال کنید از بیرون است، همه‌ی این‌ها داخل است. اگر ما سرمایه‌ای داشته باشیم در وجود ما است، اگر خطری هم تهدید کند باز در وجود خود ما است، این استغاثه، استغاثه‌ی بزرگی است «فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصِمُهَا» این توجه است.

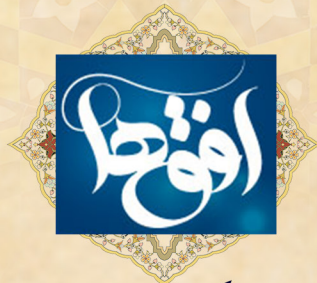
پس این دو جمله می‌خواهد بگوید «دوائک فیک و دائک منک» همان جمله امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة والسلام). فرمود اگر بیماری

در این راه پرافتخار را روزی ما قرار بدهد. خدا را قسم می‌دهیم به حق محمد و آل محمد ارواح مطهر شهداء، امام راحل عظیم الشان‌مان را با سید و سالار شهیدان محشور بفرماید. ان شاء الله گذشتگان ما غریق دریای رحمتش بفرماید.

«إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَ
بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ
وَ الْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ
وَ الثَّرْوَةِ وَ عَلَيَّ مَرْضَى
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ
وَ الصَّحَّةِ وَ عَلَيَّ أَحْيَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللِّطْفِ
وَ الْكِرَمِ وَ عَلَيَّ أَمْوَاتِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ
وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ غُرَبَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ
إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ
بِمَحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ».

این را با پیروزی بزرگتر برای مردم عزیز غزه به عالی‌ترین سطح خودش برساند. خدا را قسم می‌دهیم به حق محمد و آل محمد، آنچه که از لطف و کرم و عنایتش در این ماه خدا، در ماه مبارک رمضان نصیب ما، نصیب امت اسلامی کرده است برای ما حفظ کند. عزیز رهبرمان را در کنف حمایتش برای ما تا ظهر امام عصر ^(ارواحنافسداه) و در کنار آن حضرت حفظ بفرماید. ما را قدرشناس وجود نازنینش قرار بدهد. دعاهای ایشان را در حق ما، در حق امت اسلامی مستجاب کند. موانع ظهور امام زمان‌مان را مرتفع کند. توفیق شرفیابی به محضر آن حضرت را روزی ما قرار بدهد. قلب مقدسش را از ما راضی کند. خدا را قسم می‌دهیم به حق امام زمان و به حقیقت آن حضرت توفیق شهادت





افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر